

آريائي

www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES



احزاب و جريانهاي سياسي و افراطيي پاكستان

قسمت سوم (استاد صباح)

« سه اهداف مهم و استراتژيكي پاكستان : شيوه نظامگري، تربيه
افراطگرايي و نابودي كشورهاي همسايه »



ز قطر تا عربستان نماند

یهود و کشور ایران نماند

همه بامیهن ماکرد بازی

الهی تخم پاکستان نماند

اشرف غنی احمدزی قبل از اشغال پست ریاست جمهوری در مصاحبه با خبرنگاری ان ان - تنش میان افغانستان و پاکستان به بالاترین سطح رسیده است و به سمت تنش و درگیری پیش می روند، ما با پاکستان گفتگو خواهیم کرد و باید مشخص شود آیا این کشور بعد از سه نسل از ایجاد تنش در افغانستان دست خواهد کشید یا خیر. ترورهای هدفمند، مردم را در برابر هر مداخله ی متحد کرده است و در صورتی که یک یا دو اقدام مشابه این انجام شود در آن صورت تنش به مرحله غیر قابل بازگشت خواهد رسید. اما بعد از به مراد رسیدن ، ماندن کززی به مصلحت گرایی و دورنگی آغشته میگردد.

احزاب سیاسی و بنیادگرایی در پاکستان

حزب مردم

در تاریخ پاکستان تصویری شد، تنها حزب سیاسی که دارای جریان سیاسی واقعی با پایگاه و نفوذ اجتماعی می باشد، حزب مردم پاکستان است. این حزب، یگانه حزب عمده و فعال در سراسر پاکستان بود. حزب مردم در سال نوزده شصت هفت میلادی توسط ذوالفقار علی بوتو پایه گذاری شد. این حزب که بر مبنای سکولاریزم و سوسیال دموکراسی استوار بود، برای چندین دهه بر قلب و ذهن میلیون ها پاکستانی حکومت می کرد. حزب مردم ، چهار بار قدرت را در این کشور در دست داشت و هنوز یکی از احزاب مهم در پاکستان می باشد.

حزب مردم در سالهای اخرن توانست آنطوری که مردم انتظار داشتند، عمل کنند، اما حکومت در چنین دوره بحرانی که پاکستان با آن درگیر بود، کار آسانی نبود. تروریسم در حال رشد، بحران انرژی، رکود اقتصادی، فساد گسترده و ضعف حاکمیت از عوامل اصلی بودند که به طور جدی در آفت عملکرد و دستاورد این حزب نقش داشتند.

پس از مرگ بی نظیر بوتو در یک حمله انتحاری در بیست هفت دسمبر دو هزار هشت میلادی، حزب متحمل ضایعه غیر قابل جبرانی گردید، اما همسر بوتو، آصف علی زرداری و رئیس جمهور پاکستان، تا حدودی توانست در حفظ اتحاد حزب موفقانه عمل کند و در میان موج احساسات عمومی در این کشور که به نشانه تعهد به بی نظیر بوتو، به این حزب رای دادند، قدرت را به دست آورد. در انتخابات سراسری قبلی پاکستان در سال دو هزار هشت میلادی، حزب مردم پاکستان توانست یکصد بیست پنج کرسی از جمله کرسی های اختصاص یافته به زنان، اقلیت ها و هفت نامزد مستقل را کسب کند. این حزب هنوز هم پشتیبانی توده مردمی در سراسر پاکستان بر محوریت ایالت سند را با خود دارد. سند ایالتی است که در آن حزب مردم از قدرت و نفوذ گسترده برخوردار است و تا کنون هیچ حزب سیاسی نتوانسته در این ایالت با حزب مردم رقابت کند. ایالت سند دارای هفتاد پنج کرسی در مجلس نمایندگان پارلمان فدرال پاکستان است. به رغم کمبود تعداد کرسی لازم برای احراز اکثریت در پارلمان، حزب مردم توانست با موفقیت دوره قانونی حاکمیت خود را با کمک شرکای ائتلافی خود به پایان برساند.

احزاب ملی و مترقی

حزب مترقی مردم: حزب مترقی مردم با انشعاب از حزب مردم در سال نوزده هفتاد هشت میلادی تشکیل شد. رهبری این حزب را مولانا کوثر نیازی به عهده دارد.

حزب ملی پاکستان: یک حزب چپ گرا که در سال نوزده هفتادونو به رهبری میرغوث بزنجوتشکیل شد و طرفدار هند است. در سال نوزده هشتادیک به احیای دموکراسی و در سال نوزده نود دومیلا دی به اتحاد دموکراتیک ملی پیوست. حزب دموکراتیک ملی در سال نوزده هفتادپنج میلادی به عنوان جانشین حزب عوامی ملی که فعالیتش ممنوع شده بود، تشکیل شد. رهبری این حزب را شیرباز خان مزاری به عهده داشت.

سایر احزاب پاکستان عبارت اند از: حزب تحریک استقلال، حزب جبهه ملی سند (به وسیله ممتاز علی بوتو کاکای بی نظیر رهبری می شد)، حزب کمونیست پاکستان (که غیر قانونی است) حزب اتحاد ملی بلوچستان (که مرکز آن کویته است) حزب جمهوری وطن، حزب خاکسار پاکستان، حزب طریق انصاب و حزب رفاه ملی (حزب رفاه ملی در سال نوزده نودهفت به وسیله اجمل حسین، جنرال متقاعد تأسیس شده و خواهان انتخاب مستقیم رئیس جمهور به وسیله مردم است و تغییر قانون اساسی را می خواهد و اکثراً نظامیان در آن عضویت دارند).

حزب مسلم لیگ

با آنکه این حزب مدعی تداوم حزب مسلم لیگ تحت رهبری محمد علی جناح که مسلمانان شبه قاره هند را برای ایجاد پاکستان، به عنوان یک کشور جداگانه برای مسلمانان هند، رهبری کرد؛ اما با توجه به وجود احزاب متعددی به این نام، تأیید این ادعا اندکی دشوار است. در واقع، این حزب توسط فدا محمد خان، یک فعال کهنه کار آزادی پاکستان تأسیس شد که بعداً به مدت سه سال در زمان حکومت نظامی جنرال ضیاءالحق (هشتادپنج تا نوزده هشتاد میلادی) به عنوان والی ایالت شمال غربی آن وقت موسوم به ایالت سرحد (خبیر پختونخواهی فعلی) خدمت کرد. پس از بازنشستگی فدا محمد خان از سیاست، نواز شریف که دبیر کل حزب بود، رئیس حزب شد.

نواز شریف تا سال نوزده نودهفت به عنوان سیاستمدار حامی حکومت نظامی وقت شناخته می شد. در انتخابات عمومی که در ماه فبروری سال نوزده نودهفت برگزار شد، این حزب با اکثریت دو سوم، پیروزی چشمگیری را به دست آورد که در تاریخ پاکستان بی سابقه بود. پس از این پیروزی تاریخی، نواز شریف از نظامیان فاصله گرفت و سعی کرد به عنوان یک سیاستمدار در سطح ملی تبارز کند. برای به دست آوردن چنین جایگاهی، وی ناگزیر به پرداخت بهای گزافی شد که در نتیجه پس از ساقط شدن از قدرت، از سوی جنرال پرویز مشرف به زندان رفت و بعد از آن به دنبال توافق با مشرف به تبعید خودخواسته به عربستان سعودی رفت که برای حدود یک دهه در آنجا بود.

گفته میشد نواز شریف در اواسط دهه هشتاد میلادی با اسامه بن لادن، رهبر شبکه القاعده روابط نزدیک برقرار کرده و برای مدت کوتاهی رابط میان سازمان اطلاعاتی امریکا، سی آی ای، و اسامه بن لادن بوده است. قاضی حسین احمد، رهبر پیشین جماعت اسلام، در مصاحبه ای تأیید کرده بود که نواز شریف در تلاش برای کسب اکثریت مطلق در انتخابات سراسری نوزده نودهفت پاکستان، از اسامه بن لادن حمایت مالی دریافت کرده بود. شهباز شریف، برادر نواز شریف و حاکم سابق پنجاب، در دوران تصدی خود در این ایالت، بیش از یکصدنودتن از تروریست های لشکر جنگوی و همچنان ملک اسحاق رهبر این گروه مرتبط با شبکه القاعده را از زندان آزاد کرده بود. بر اساس گزارش ها، ملک اسحاق بعد از آزادی، حملات بزرگ فرقه ای را در ایالت های بلوچستان و سند حمایت و سازماندهی کرد. در جریان کارزار اخیر انتخاباتی در پاکستان، طالبان و سایر گروه های تروریستی که علیه روند انتخابات دموکراتیک در پاکستان مبارزه می کنند، میان لیبرال ها و احزاب مذهبی معتدل تفاوت قایل نمی شدند و فقط حزب مسلم لیگ پاکستان (ن) از حملات آنها در امان بودند. حملاتی که در بلوچستان علیه حزب مسلم لیگ (ن) صورت گرفت، از سوی طالبان نه، بلکه از جانب گروه های جدایی طلب بود.

حزب مسلم لیگ پاکستان (ن)، در انتخابات سال دوهزارهشت میلادی نوددوکرسی را در پارلمان فدرال و همچنین اکثریت کرسی ها را در مجمع ایالتی پنجاب به دست آورد و از آن زمان تاکنون بر این ایالت حاکم بود. مقر این حزب ایالت پنجاب است که در مجموع یکصدهشتادسه کرسی را در پارلمان فدرال دارد و این همواره یک مزیت عددی به نفع حزب مسلم لیگ پاکستان (ن) بوده است.

گروه اسلامی اهل حدیث

این گروه در قبال فعالیت شیعه در دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. ریشه آن در حرکت اصلاح طلبان محافظه کارانه هندو-مسلمان است که تاریخ آن به قرن ۱۹ باز می گردد. این گروه عضوی از اتحاد جمهوری اسلامی بوده و به جناح های مختلف تقسیم شده و رهبر شناخته شده ای ندارد.

جنبش متحد قومی

این حزب عمدتاً در مناطق شهری ایالت سند دارای نفوذ است، اغلب نقش مهمی را در سیاست های ملی بازی کرده است. این حزب عمدتاً از طبقه متوسط جمعیت شهری در شهرهای کراچی، که مرکز اقتصادی پاکستان به شمار می رود، و حیدرآباد نمایندگی می کند. جنبش متحد قومی، تحت رهبری الطاف حسین که در لندن مستقر است، سازمان یافته ترین

حزب پاکستان به شمار می رود. این حزب تاکنون از حمایت زیادی در شهرهای کراچی و حیدرآباد برخوردار بوده است. این حزب یک جریان سیاسی سکولار است که با موضع ضد بنیادگرایی اش شهرت دارد و همواره تلاش داشته تا توجه مردم پاکستان را به خطر طالبانیزه شدن مناطق شهری به ویژه کراچی جلب کند. جنبش متحد قومی یکی از شرکای دولت ائتلافی تحت رهبری و نظارت جنرال پرویز مشرف بود و همچنین در دوره گذشته در تعامل نزدیک با حزب مردم پاکستان، در سند و اسلام آباد در قدرت سهیم بود. این حزب همچنین در تلاش بوده تا نفوذ خود را به سایر نقاط پاکستان گسترش دهد، اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند که جنبش متحد قومی ممکن است همچنان در پایگاه سنتی قدرت خود محدود بماند.

حزب ملی عوامی

این حزب تا دوام جنبش تاریخی به نام خدای خدمتگاره رهبری خان عبدالغفار خان است که به باچا خان و گاندی سرحد نیز معروف بود. این حزب از حمایت طبقه سکولار پشتون در ایالت خیبر پشتونخواه و تا حدودی بلوچستان برخوردار است. با آنکه این حزب در شهر کراچی نیز دارای نفوذ و پایگاه است، اما هیچگاهی در آنجا به عنوان یک حزب موثر در قدرت سیاسی محسوب نشده است. حزب ملی عوامی فراز و فرودهای بسیاری را در تاریخ فعالیت خود تجربه کرده است. این حزب پس از یک دوره طولانی دوباره خود را به عنوان بزرگترین حزب ایالت خیبر پشتونخواه تبارز داد و در پنج سال گذشته در ائتلاف با حزب مردم پاکستان قدرت را در این ایالت در دست داشت.

تحریک انصاف

این حزب در جریان دو سال گذشته موج قابل توجهی را ایجاد کرده است. عمران خان، که زمانی قهرمان کریکت پاکستان بود و در سال نوزده نود و دو میلادی جام قهرمانی را در جام جهانی کریکت کسب کرد، حزب تحریک انصاف پاکستان را در فیبروری سال نوزده نود و سه میلادی تاسیس کرد. بسیاری بر این باورند که حزب تحریک انصاف پاکستان به رهبری عمران خان، پروژه سیاسی تازه اردوی پاکستان است. این تحلیل بر اساس دو دلیل استوار است، اول فاصله گرفتن سیاستمداران طرفدار نظامیان از دیگر جریان های اصلی سیاسی و احزاب ملی و در نهایت شمولیت آن در تحریک انصاف و دوم اینکه نظامیان این کشور در حال حاضر با هیچ یک از دو حزب اصلی دیگر، که قبلاً ذکر شد، میانه گرمی ندارد.

حزب جماعت اسلامی

ابوالاعلی مودودی، جماعت اسلامی را در سال ۱۹۴۱ تشکیل داد و هدف خود را تلاش برای ایجاد استقرار یک دولت اسلامی اعلام کرد. این حزب راستگرا و شدیداً سنت گرای اسلامی نقطه نظرها و مواضعی همچون اخوان المسلمین مصر دارد. در انتخابات سال ۱۹۷۰ این حزب چهار کرسی به دست آورد و در انتخابات ۱۹۷۷ از ائتلاف مزبور کنار گذاشته شد. رهبر آن قاضی حسین احمد است و دفاتر مرکزی آن در لاهور قرار دارد. سیاست های جنرال ضیاء الحق در مورد حاکم کردن شریعت اسلامی در تمام شئون زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پاکستان از تعالیم این حزب دانسته شده است. این حزب در دوران حکومت اولیه بی نظیر بوتو، از نواز شریف حمایت کرد تا قوانین اسلامی را پس از رسیدن به قدرت در پاکستان برقرار نماید. نواز شریف پس از رسیدن به قدرت، لایحه شریعت را تصویب نمود ولی جماعت اسلامی، نواز شریف را به عدم اجرای دقیق قوانین اسلامی متهم کرد. در اوایل دهه ۱۹۹۲ جماعت اسلامی در اعتراض به تصمیم دولت نواز شریف در حمایت از دولت مجاهدین در کابل، از اتحاد دموکراتیک اسلامی کناره گیری کردند. جماعت اسلامی پاکستان دولت نواز شریف را به قطع حمایت از گلبدین حکمتیار رهبری حزب اسلامی افغانستان و شکست برنامه اسلامی کردن کامل پاکستان متهم نمود. در انتخابات اکتبر ۱۹۹۳ جماعت اسلامی که خاطره خوشی از همکاری با حزب مردم و مسلم لیگ، نداشت تصمیم گرفت که با عنوان جبهه جدید سیاسی به نام امت و جدای از این دو حزب در انتخابات شرکت نماید، ولی نتوانست آراء قابل توجهی کسب نماید. این جبهه، جبهه اسلامی پاکستان نامیده می شد و در این انتخابات تنها سه کرسی را به دست آورد. در دسامبر ۹۴ محمد صلاح الدین مدیر هفته نامه تکبیر وابسته به حزب جماعت اسلامی در کراچی ترور شد. وی از منتقدان حزب حاکم و نهضت قومی مهاجر به شمار می رفت. این جریان بزرگترین گروه اسلامی پاکستان است.

جمعیت العلماء اسلام

این حزب، گروهی حنبلی مذهب و در رسته اصحاب حدیث، معتقد به مکتب دیوبندی و نزدیک به وهابیت می باشد و همان حزبی است که در سال ۱۹۴۵ تحت رهبری مولانا شبیر احمد عثمانی برای کسب حمایت از تاسیس پاکستان ایجاد شد. پس از وقفه ای این حزب در سال ۱۹۵۰ مجدداً احیا شد. جمعیت العلماء اسلام بر تدوین قانون اساسی مبتنی بر اصول و ضوابط اسلامی تاکید می نمود. رهبر آن مولانا مفتی محمود، بنیانگذار و رهبر اتحاد ملی پاکستان بود. پس از وی مولانا فضل الرحمن رهبر این حزب گردید. این حزب در انتخابات سال ۱۹۷۷ در اتحاد ملی پاکستان و در مقابل حزب مردم قرار

داشت. در ابتدای حکومت جنرال ضیاء الحق، با وی همکاری داشتند اما در سال ۱۹۸۱ به جنبش احیای دموکراسی پیوست و رفراندوم ۱۹ مارچ ۱۹۸۴ را که موضوع تجدید ریاست جمهوری وی بود تحریم کرد. این حزب در مناطق مختلف پاکستان به ویژه ایالت سرحد دارای نفوذ می باشد. جمعیت علمای اسلامی در پاییز ۱۳۷۳ بر سر مساله ادامه همکاری با دولت بی نظیر بوتو به دو شاخه تحت رهبری «مولانا فضل الرحمن» و «مولانا اجمل خان» تقسیم شد. گروه مولانا فضل الرحمن که دارای نفوذ زیادی در بین طالبان در افغانستان است، در ایالت های بلوچستان و سند دارای نفوذ بوده و گروه تحت رهبری مولانا اجمل خان در ایالت های سرحد و پنجاب دارای طرفداران بسیاری است.

جمعیت العلماء

این حزب در سال ۱۹۴۸ تاسیس شد. حزبی اسلامی نه چندان نخبه گرا، سنی مذهب و معتقد به سنت ها و مکتب بریلوی می باشد و از اصول اسلامی پیروی می کند. در مجلس ملی در ۱۹۷۰ هفت کرسی به دست آورد. این حزب نیز از اعضای اتحاد ملی پاکستان کناره گرفت. در ۱۹۸۱ به نهضت اعاده دموکراسی پیوست اما یک ماه بیشتر در این نهضت نبود. در ۱۹۸۸ به «حزب تحریک استقلال» پیوست تا اتحاد عوامی پاکستان را ایجاد کند. در نوامبر ۱۹۹۰ به اتحاد دموکراتیک اسلامی پیوست و در مارچ ۱۹۹۱ در اعتراض به سیاست نواز شریف در مورد جنگ خلیج فارس از این اتحاد کناره گیری کرد. این حزب نیز به دو شاخه اصلی تقسیم می شود جناح تحت رهبری «مولانا احمدشاه نورانی» و جناح تحت رهبری «مولانا عبدالستار نیازی». مولانا احمدشاه همچنین رهبری ائتلاف ۳۰ حزب اسلامی پاکستان را تحت عنوان شورای هماهنگی احزاب اسلامی بر عهده دارد.

سپاه صحابه

یک گروه سنی مذهب نظامی که پیرو فرقه وهابی است. رهبر آن محمد غیث الدین در ۳۱ مه ۱۹۹۲ در گیلگیت در شمال پاکستان ترور شد. محبوبیت این گروه در نزد افکار عمومی به دلیل اعمال خشونت بار و تروریستی بسیار پایین است. گروه مذکور که شهر «جنگ» در ایالت پنجاب را به عنوان مرکز فعالیت های خود انتخاب کرده، بانی اکثر فعالیت های تروریستی در پاکستان به شمار می رود. انجمن وهابی و سپاه صحابه که شاخه نظامی آن لشکر جنگوی نام دارد علاوه بر ترور بسیاری از سیاستمداران پاکستانی و عداوت شدید با نهضت فقه جعفری، طراح و مجری بسیاری از حملات تروریستی بوده است.

تحریک نفاذ فقه جعفری

گروهی شیعه مذهب است که در سال ۱۹۷۹ تشکیل شد تا برنامه اسلامی کردن ضیاء الحق بر اساس فقه سنی مخالفت نماید. این سازمان به عنوان یک حزب سیاسی در ۱۹۸۷ ثبت شد. در ۱۹۸۴ یک جناح اصلاح طلب به رهبری عارف حسینی الحسینی از جناح سنتی به رهبری حامد علی موسوی جدا شد و گروه تحریک فقه جعفریه پاکستان را تشکیل داد. عارف الحسینی در اگست ۱۹۸۸ در پیشاور کشته شد. پس از عارف حسین الحسینی رییس این جریان سید ساجد علی نقوی شد. این گروه برخلاف گروه اول معتقد به فعالیت های سیاسی می باشند. این نهضت در سال ۱۹۹۰ با اتحاد دموکراتیک مردم به رهبری بی نظیر بوتو ائتلاف کرد ولی در سال ۱۹۹۳ از این اتحاد خارج شد. در بیانیه نهضت، علت این جدایی عدم توجه حزب مردم به درخواست نهضت مبنی بر اختصاص ۶ درصد سهمیه برای نامزدهای این نهضت در مبارزات انتخاباتی ذکر شد. نهضت از نامزدهای انتخاباتی خود خواست که به صورت مستقل در انتخابات شرکت کنند. تشکیلات شیعه دیگری نیز وجود دارند که از جمله می توان به سازمان دانشجویان امامیه، سازمان امامیه (به سرپرستی صفدر نقوی)، سازمان اصغریه (تاسیس ۱۹۸۹)، سپاه محمد که در اوج گیری های فرقه ای در سال ۱۹۹۴ اعلام موجودیت کرد) و فاق علماء و جامعه المنتظر (لاهور) اشاره کرد.

گروه اسلامی اهل حدیث

گروه اسلامی اهل حدیث در قبال فعالیت شیعه در دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. ریشه آن در حرکت اصلاح طلبان محافظه کارانه هندو-مسلمان است که تاریخ آن به قرن ۱۹ باز می گردد. این گروه عضوی از اتحاد جمهوری اسلامی بوده و به جناح های مختلف تقسیم شده و رهبر شناخته شده ای ندارد.

گروه های افراطی

پاکستان به عنوان بهشت امن تروریست ها یاد می شود که انواع مختلف گروه های افراطی و خشونت طلب تروریست در خاک این کشور حضور داشته و بدون محدودیت به فعالیت می پردازند. از جمله گروه های تروریستی پاکستان:

- گروه های تروریستی فرقه ای مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی،
- گروه های تروریستی ضد هندی مانند لشکر طیبه،

جیش محمد،

- و تحریک نفاذ شریعت محمدی و تحریک طالبان پاکستان می باشد این گروه ها به انجام فعالیت های تروریستی در راستای اجرای رادیکالیسم اسلامی می پردازند که در ذیل به صورت مختصر آن ها را شرح می دهیم.

سپاه صحابه پاکستان

تکوین سپاه صحابه، واکنشی به تشکیل تحریک فقه جعفری محسوب می گردد. بعد از تأسیس تحریک فقه جعفری به عنوان سازمان مدافع حقوق شیعیان پاکستانی، دو کنفرانس توسط جماعت اسلامی پاکستان و جمعیت علماء اسلام برای مبارزه با جنبشی که توسط شیعیان ایجاد شده بود، ترتیب داده شد. در همین راستا سرویس اطلاعاتی پاکستان (آی.اس.آی) با حمایت آمریکا و عربستان گروهی از مسلمانان دیوبندی را تشویق به مبارزه علیه فعالیت های تحریک فقه جعفری نمود. بدین ترتیب، انجمن سپاه صحابه پاکستان - که بعد ها به سپاه صحابه پاکستان تغییر نام داد- به رهبری مولانا حق نواز جهنگوی که خود یکی از روحانیون جمعیت العلماء الاسلام بود، به منظور به توازن کشیدن قوای سیاسی پاکستان و پیشبرد منافع مسلمانان اهل تسنن در سال نوزده هشتاد پنج میلادی به وجود آمد.

در خصوص عمده ترین اقدامات تروریستی صورت گرفته توسط این اینان می توان به ترور صادق گنجی، سرکنسول ایران در لاهور در تلافی مرگ جهنگوی در دسامبر سال نوزده نود میلادی اشاره نمود. هم چنین افراطی های سپاه صحابه در جنوری سال نوزده نود هفت میلادی به مرکز فرهنگی ایران در لاهور حمله نمودند و نیز هفت دیپلمات ایرانی در ملتان را به قتل رساندند.

در تلافی مرگ ضیاء الرحمن فروغی (رهبر این گروه) پنج افسر نظامی ایران در پاکستان در سپتامبر سال نوزده نود هفت میلادی، توسط سپاه صحابه و لشکر جهنگوی کشته شدند. این گروه با مدارس مذهبی تندرو پاکستان ارتباط گسترده داشته و تعداد عمده ای از نیروهای خود را از بین طلاب این مدارس فراهم می آورد. میگویند ارتباط اعضای لشکر جهنگوی با القاعده در رادیکال شدن این گروه عاملی مؤثر بوده است.

لشکر جهنگوی

از مهم ترین گروه های تروریستی پاکستان لشکر جهنگوی می باشد که امروز به عنوان " اسب تروا جدید القاعده برای انجام عملیات های تروریستی معرفی شده است، در حقیقت این گروه تروریستی، یکی از گروه های افراطی مذهبی پاکستانی است که توسط سپاه صحابه با هدف مبارزه با نهضت جعفری تأسیس گردید. لشکر جهنگوی چندین سال به عنوان شاخه نظامی سپاه صحابه فعالیت می نمود. اعضای آن عمدتاً مسلح بوده و فعالیت های آن بیشتر از نوع تروریستی و دامن زدن به مسائل فرقه ای می باشد.

لشکر جهنگوی به عنوان سازمانی با ایدئولوژی وهابی، دارای احساسات ضد آمریکایی، ضد هندی، ضد اسرائیلی، ضد ایرانی و ضد شیعه می باشد و همواره به عنوان مسنول قتل شیعیان در پاکستان و هزاره افغانستان متهم بوده و بر طبق گزارشات، همواره پیوند مستحکمی میان لشکر جهنگوی و طالبان افغانستان وجود داشته است و این سازمان تروریستی پاکستانی از پناه گاه های طالبان در افغانستان جهت آموزش اعضای خود استفاده می نماید. در همین راستا مقامات اسلام آباد معتقدند نوع روابط لشکر جهنگوی با طالبان به گونه ای می باشد که اعضای دو گروه در کنار یکدیگر می خورند، آموزش می بینند و مبارزه می کنند. هم چنین طبق تحقیقات صورت گرفته مراکز تحقیقاتی پاکستان در سال دوهزار دو میلادی القاعده نقش به سزایی در آموزش اعضای لشکر جهنگوی حتی پس از حمله آمریکا به افغانستان ایفا می نماید.

لشکر طیبه

لشکر طیبه یک سازمان بنیادگرای اسلامی فرقه اهل حدیث در پاکستان است که توسط آی اس آی به رهبری حفیظ محمد سعید، جهت آموزش داوطلبان مبارزه در کشمیر تأسیس گردید.

لشکر طیبه بی دریغانه از جانب آی.اس.آی حمایت شده است؛ این حمایت از زمانی که آمریکا در سال نوزده نود هفت میلادی، حرکت الانصار را جزو گروه های تروریستی قرار داد، افزایش یافت. لشکر طیبه به عنوان یکی از مهم ترین گروه های تروریستی پاکستان، در صدد تقویت گروه های بنیادگرا مذهبی می باشد تا از آن ها به عنوان مخالفان سرسخت ظهور جنبش های دموکراتیک و غیر نظامی استفاده نماید. ناظران معتقدند که این ائتلاف بنیادگراها و عناصر تروریست در پاکستان و رابطه آن ها با طالبان و القاعده، نه تنها ثبات پاکستان بلکه ثبات منطقه را تهدید نموده و موجب صدور تروریست ها به سراسر جهان می گردد.

ایدئولوژی لشکر طیبه به چالش کشیدن حاکمیت هند بر جامو کشمیر است. این گروه تروریستی در منطقه کشمیر دارای اردوگاه های متعدد آموزشی بوده و نخستین منطقه عملیاتی اش نیز جامو و کشمیر است. در خصوص ارتباط لشکر طیبه با القاعده نیز باید گفت، پیوند لشکر طیبه با القاعده از زمانی که پرویز مشرف، بعد از ساقط کردن حکومت طالبان به وسیله آمریکا تغییر جهت داد و بنا به درخواست مشترک آمریکا و هندوستان، لشکر طیبه را گروه تروریستی اعلام کرد و فعالیت آن را در پاکستان ممنوع نمود، قوی تر شده است زیرا مولانا الیاس کشمیری، رهبر معنوی لشکر طیبه به مناطق قبایلی پاکستان رفت و در کنار رهبران القاعده و گروه طالبان افغانستان قرار گرفت.

جیش محمد

جیش محمد در مقایسه با سایر گروه های تروریستی فعال در جامووکشمیر یک گروه تندرو نسبتاً جدیدی می باشد که ارتباط تنگاتنگی نیز با لشکر طیبه دارد و به عنوان قسمتی از شبکه تروریست های اسلامی افراطی، حضور فعالی در خشونت های تروریستی در جامو و کشمیر دارد. جیش محمد نیز توسط آی اس آی پاکستان شکل گرفته و کنترل می شود. این گروه در جنوری دوهزار، توسط مولانا مسعود اظهر در کراچی به وجود آمد. در خصوص احساسات ضد هندی و ضد آمریکایی مسعود اظهر می توان به سخنرانی او پس از آزادی از زندان اشاره نمود، او در حضور طرفداران خود در پاکستان اعلام نمود: من در راستای انجام وظیفه به اینجا آمده ام که بگویم تا زمانی که هند و آمریکا را نابود نکرده ایم، مسلمانان نباید در وضعیت صلح و آرامش بمانند. بر طبق برخی گزارشات، جیش محمد با طالبان و القاعده و بن لادن ارتباط نزدیکی داشته و در مکان های مختلف با سران رهبران آن ها ملاقات نموده است. هم چنین این گروه روابط نزدیکی با گروه های تروریستی سنی در پاکستان مانند لشکر جهنگوی و سپاه صحابه پاکستان دارد.

تحریک نفاذ شریعت محمدی

تحریک نفاذ شریعت محمدی یا نهضت اجرای شریعت محمدی، توسط مولانا صوفی محمد - پیرو مکتب وهابی و از اعضای فعال جماعت اسلامی - در سال نوزده نود و دو میلادی تأسیس گردید. هدف این گروه اجرای شریعت البته طبق برداشت خود آن هادر پاکستان مطرح شد. طبق جهان بینی این افراطیون، پاکستان نیز باید به شیوه حکومت طالبان اداره شود. مولانا صوفی محمد پس از حمله نیروهای آمریکا به افغانستان، به همراه هزاران نفر از هوادارانش جهت کمک به طالبان به سمت این کشور حرکت نمود. تعداد زیادی از افرادش در جنگ افغانستان دستگیر یا کشته شدند و فقط تعداد کمی از آن ها از جمله صوفی محمد به پاکستان بازگشتند. صوفی محمد نیز در پی بازگشت به پاکستان توسط مقامات این کشور دستگیر و روانه زندان گردید. بعد از دستگیری مولانا صوفی محمد دامادش مولانا فضل الله معروف به ملا رادیوهدایت تحریک نفاذ شریعت محمدی را بر عهده گرفت. مولانا فضل الله از طریق ایستگاه رادیویی خود اجرای خشن دستورات شریعت، تعطیلی مدارس دخترانه، بسیج نیروها برای کمک به طالبان در افغانستان را ضروری اعلام نمود.

تحریک طالبان پاکستان

درسال های اخیر نگرانی محافل سیاسی با ظهور نیروهای افراطی تحت عنوان تحریک طالبان پاکستان به رهبری بیت الله محسود در مناطق قبیله ای خودمختار پاکستان، شدت یافته است. این گروه افراطی همواره متهم به اجرای انواع حملات تروریستی می باشد، از جمله اقدامات طالبان پاکستان در منطقه وزیرستان، اعلام ممنوعیت فروش سی دی موسیقی و فیلم، اخذ مالیات از کالاهایی که از منطقه مزبور عبور می کردند و تأسیس دادگاه اسلامی به سبک طالبان به عنوان جایگزین جرگه دروانا می باشد. هم چنین بیش از صد نفر از حامیان دولت پاکستان در منطقه تحت کنترل محسود که از آن به عنوان طالبانستان نام برده می شود، گردن زده شدند. پیروان او سعی در ایجاد ارباب در میان مردم منطقه دارند. محسود در سال دوهزارهفت میلادی در مصاحبه با خبرگزاری الجزیره اعلام کرد معجزه جهاد را با حمله به نیویارک و واشنگتن و لندن به نمایش خواهد گذاشت.

هم چنین خبرگزاری آسوشیتد پرس از قول محسود اعلام کرد به زودی به واشنگتن حمله خواهیم کرد و با این حمله همه جهانیان را متحیر خواهیم ساخت. او مأموریت خود را ادامه جهاد در افغانستان و پاکستان و انتقام از حملات آمریکا اعلام کرد. تحلیل گران سی آی ای و سایر ادارات اطلاعاتی معتقدند محسود و القاعده ارتباطات نزدیکی با یکدیگر دارند. فصل مشترک اقدامات مدارس مذهبی و گروه های تروریستی پاکستان، نشر و گسترش اسلام افراطی می باشد. باید در نظر داشت مدارس مذهبی پاکستان همراه با اردوگاه های آموزشی گروه های تروریستی با تربیت نیروهای افراطی، موجب انتقال ایدئولوژی افراط گرایی از سطح داخلی به سطح منطقه می شوند.

شبکه حقانی

شبکه حقانی از ماهرترین و مرموزترین گروه های تروریستی به شمار می رود که حوزه عملیاتی آن جنوب افغانستان و شمال پاکستان به ویژه مناطق مرزی پکتیا و خوست است. شبکه حقانی از دهه هشتاد و همزمان با حضور نظامی شوروی در افغانستان، به رهبری جلال الدین حقانی شکل گرفت که تا زمان انجام حملات یازده سپتامبر دوهزار یک میلادی مورد حمایت های آمریکا بود. اولین مسوول این گروه، «جلال الدین حقانی» از فرمانده مجاهدین بود. پس از او رهبری به پسر بزرگش سراج الدین حقانی منتقل شد. شبکه حقانی اکثرآ از قبیله «زدران»، ساکن ولایت پکتیا هستند. مولوی جلال الدین حقانی از متحدان طالبان بود و پست هایی همچون فرماندهی طالبان در شمال کابل، وزیر امور اقوام و قبایل را بر عهده داشت. اوج قدرت این گروه از حدود دوسال پیش نمایان شد. حمله همزمان به چند هدف مهم در شهر کابل، حمله به هتل «سرینا» حمله به سفارت آمریکا در کابل و... این حملات باعث افزایش فشار غرب بر پاکستان شد.

به‌دنبال این فشارها، دولت پاکستان اعلام کرد قصد دارد حملات جدیدی را علیه اینان انجام دهد که تاهنورنداد و اما نیروهای آمریکایی توانستند ضربات رابه آنان وارد نمایند وچند افراد مشهوررابه قتل برسانند. یکی از آنان «بدرالدین حقانی» ازمسولین شبکه حقانی و نفر دوم بود که مرگ او ضربه‌ای جدی به انسجام داخلی شبکه حقانی وارد کرد، به‌طوری‌که می‌توان این برداشت را داشت که هسته رهبری شبکه حقانی دیگر موفق نشد انسجام سابق خود را به دست آورد زیرا ناتو و نیروهای دولتی افغانستان تاکنون توانسته‌اند بخش قابل توجهی از کادر رهبری حقانی را مهار کنند. پس از آن نیز ملادالله، فرمانده طالبان در منطقه باجور که از حامیان اصلی شبکه حقانی بود در شرق افغانستان کشته شد. پیش از آن نیز هم حاجی مالی‌خان، خسربرده جلال‌الدین حقانی و از فرماندهان شبکه حقانی توسط ناتو دستگیر شد. او رهبری قبیله‌ای را که خانواده حقانی به آن منسوب است، بر عهده داشت. در مورد ارتباطات تشکیلاتی شبکه حقانی گفته می‌شود بدرالدین، رابط افراد حقانی و طالبان پاکستان بود که حدود سه سال پیش اردوگاهی را برای حمایت مالی و تدارکاتی در منطقه «منگل» در شرق افغانستان ایجاد کرد بود.

حرکت الجهاد اسلامی و حرکت المجاهدین

گروپ تروریستی حرکت الجهاد اسلامی توسط «مولانا ارشد احمد» در سال نوزده هشتاد میلادی به‌عنوان یک گروه جهادی افغانستان تشکیل شد. با این حال در مورد زمان و نحوه شکل‌گیری آن، گزارش‌های ضدونقیضی وجود دارد. اهداف این گروه، الحاق ایالت‌های جامو و کشمیر به پاکستان و گسترش اسلام در تمام شون این جامعه است. حرکت المجاهدین نیز توسط «مولانا فضل‌الرحمن خلیل» در سال نوزده هشتاد پنج به‌عنوان یک جناح انشعابی از حرکت الجهاد اسلامی، تاسیس شد.